****

[اوقات رواتب 1](#_Toc483303642)

[ابتدای وقت نماز شب 1](#_Toc483303643)

[أدله مشروعیّت نماز شب در أول شب 1](#_Toc483303644)

[مناقشه (تقیید روایات مطلق با روایات خاصّه) 2](#_Toc483303645)

[جواب 2](#_Toc483303646)

[بررسی روایات خاصه 2](#_Toc483303647)

[مورد أول (سفر) 2](#_Toc483303648)

[مورد دوم (شبهای کوتاه تابستان) 5](#_Toc483303649)

[مورد سوم (خوف جنابت) 6](#_Toc483303650)

[مورد چهارم (شیخ) 6](#_Toc483303651)

[مورد پنجم (دختر جوانی که نسبت به قضا ضعف دارد) 7](#_Toc483303652)

[مورد ششم (خوف فوت نماز شب) 8](#_Toc483303653)

**موضوع**: ابتدای وقت نماز شب /اوقات رواتب /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

## اوقات رواتب

## ابتدای وقت نماز شب

## أدله مشروعیّت نماز شب در أول شب

بحث در این بود که در دو روایت موثقه سماعه و معتبره محمد بن عیسی جواز تقدیم نماز شب بر نصف شب و خواندن آن در ابتدای شب وارد شده بود:

موثقه سماعة: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فِيمَا بَيْنَ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ- إِلَّا أَنَّ أَفْضَلَ ذَلِكَ بَعْدَ انْتِصَافِ اللَّيْلِ.[[1]](#footnote-1)

معتبره محمّد بن عیسی: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ يَا سَيِّدِي رُوِيَ عَنْ جَدِّكَ أَنَّهُ قَالَ- لَا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ- فَكَتَبَ فِي أَيِّ وَقْتٍ صَلَّى فَهُوَ جَائِزٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.[[2]](#footnote-2)

### مناقشه (تقیید روایات مطلق با روایات خاصّه)

ولی گفته شده بود که باید آن را با مفهوم روایاتی که در حالات خاصّه (مثل سفر، پیرمرد، خائف جنابت) تقدیم نماز شب را تجویز کرده اند، تقیید بزنیم.

#### جواب

به نظر ما با بررسی روایات فهمیده می شود تقیید موثقه سماعه بر معذورین جمع عرفی نیست. لذا ابتدا روایات را بررسی می کنیم؛

#### بررسی روایات خاصه

##### مورد أول (سفر)

ابتدا روایات جواز تقدیم نماز شب در سفر را بررسی می کنیم:

1-موثقه سماعه: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ ع عَنْ وَقْتِ صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ- فَقَالَ مِنْ حِينِ تُصَلِّي الْعَتَمَةَ إِلَى أَنْ يَنْفَجِرَ الصُّبْحُ.[[3]](#footnote-3)

از وقت نماز شب در سفر سؤال می کند که حضرت جواب می دهد از وقتی که نماز عشاء را می خوانی تا اذان صبح وقت دارد.

###### نکته

کسانی مثل رساله جامع آقای سیستانی که می گویند می توان نماز شب را از ابتدای شب خواند ولی قید زده اند که بعد از نماز عشاء خوانده شود دلیلشان این روایت است: «من حین تُصلِی العتمه» یعنی از زمانی وقت نماز شب شروع می شود که نماز عشاء را خوانده باشی. ولی کسانی که اشکال می کنند می گویند شاید عبارت «من حین تُصلَی العتمه» باشد، یعنی از زمانی که نماز عشاء به طور متعارف خوانده می شود یعنی بعد از ذهاب حمره مغربیه، نماز شب خوانده می شود.

ولی انصاف این است که قدر متیقّن این است که بعد از نماز عشاء باشد حتّی اگر عبارت روایت «من حین تُصلَی العتمه» باشد، نه این که اگر وقت متعارف نماز عشاء رسید و قصد خواندن نماز عشاء ندارید نماز شب را قبل از نماز عشاء بخوانید، و این خلاف ظاهر است.

**اگر کسی بگوید:**

این روایت دلالت دارد که در سفر مبدأ نماز شب از ابتدای شب است و مفهوم آن این است که در حضر وقت نماز شب از ابتدای شب نیست:

**جواب می دهیم که:**

قید در سؤال سائل مفهوم ندارد. اگر در کلام امام علیه السلام می آمد می گفتیم اگر این قید در حکم دخیل نبود ذکر آن لغو می شود ولی قید در این روایت در کلام سائل آمده است.

2-صحیحه محمد بن حمران: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ أُصَلِّيهَا أَوَّلَ اللَّيْلِ- قَالَ نَعَمْ إِنِّي لَأَفْعَلُ ذَلِكَ- فَإِذَا أَعْجَلَنِيَ الْجَمَّالُ صَلَّيْتُهَا فِي الْمَحْمِلِ.[[4]](#footnote-4)

محمد بن حمران می گوید من ابتدای شب نماز شب را می خوانم. حضرت می فرماید من هم ابتدای شب می خوانم. اگر جمّال عجله کند پیاده نمی شوم و نماز شب را در محمل می خوانم: که معلوم می شود موردش، سفر است که حضرت در محمل نماز خواند.

**جواب این است که:**

این روایت مفهوم ندارد و تنها حکایت فعل است: حضرت می فرماید من هم همین کار را می کنم بعد فرمود اگر جمّال عجله کند در محمل نماز شب را می خوانم که مفهوم ندارد. و این عبارت را برای احتراز از حالت حضر ذکر نکرد بلکه برای این نکته این عبارت را بیان کرد که بگوید اگر جمّال عجله کند من در محمل نماز شب می خوانم و در روی زمین نمی خوانم.

3-صحیحه أبی نجران: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ- فِي السَّفَرِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَقَالَ إِذَا خِفْتَ الْفَوْتَ فِي آخِرِهِ.[[5]](#footnote-5)

4-صحیحه حلبی: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ خَشِيتَ أَنْ لَا تَقُومَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ- أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ- فَصَلِّ وَ أَوْتِرْ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ.[[6]](#footnote-6)

در این دو روایت هم قید «فی السفر» ذکر شده است: در صحیحه أبی نجران این قید در سؤال سائل آمده است.

ولی در صحیحه حلبی قید «فی السفر» در کلام امام علیه السلام آمده است ولی قبلاً گفتیم که همین روایت را أبوبصیر بدون این قید نقل کرده است و به قول آقای خویی ما احتمال نمی دهیم این ها دو روایت باشند و لذا روایت مجمل می شود. و این که مرحوم استاد فرموده اند چه اشکالی دارد که دو روایت باشد، خلاف وثوق نوعی است و دلیل حجّیت خبر ثقه شامل آن نمی شود.

**مرحوم خویی فرموده اند:**

این دو روایت دلیل بر این است که مطلق مسافر حقّ ندارد نماز شب را در ابتدای شب بخواند بلکه در فرضی نماز شب را می خواند که إِذَا خِفْتَ الْفَوْتَ فِي آخِرِهِ و یا خَشِيتَ أَنْ لَا تَقُومَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ- أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ صادق باشد و مطلق سفر مجوّز تقدیم نماز شب در ابتدای شب نیست. لذا این روایات، اطلاقات جواز تقدیم نماز شب در سفر را تقیید می زند و این اطلاقات بر خوف فوت، حمل می شود.

**فرمایش مرحوم خویی متین است ولی:**

نهایت این است که در حضر هم این قید را بزنیم یعنی کسی که در حضر است و اگر بخوابد خوف دارد تا اذان صبح بیدار نشود برای او هم نماز شب در ابتدای شب مشروع است. از تقیید جواز تقدیم نماز شب در سفر به جایی که خوف دارد خواب برود و نماز شب او فوت شود بالأولویه کشف می کنیم که اگر در حضر هم تقدیم نماز شب در ابتدای شب جایز باشد در فرضی است که خوف دارد خواب برود. لذا موثقه سماعه مقیّد به فرض خوف فوت می شود و در این صورت تقدیم نماز شب در أول شب جایز است. چرا به این مقدار از موثقه سماعه و معتبره محمد بن عیسی رفع ید کنیم زیرا فرض این است که قید «فی السفر» مفهوم ندارد که بگوید حضر با سفر فرق می کند زیرا در صحیحه أبی نجران این قید در کلام سائل بود و قید در صحیحه حلبی هم به خاطر عدم وجود این قید در صحیحه أبوبصیر، ثابت نشد.

##### مورد دوم (شبهای کوتاه تابستان)

صحیحه لیث مرادی: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثٍ الْمُرَادِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الصَّلَاةِ فِي الصَّيْفِ- فِي اللَّيَالِي الْقِصَارِ صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ- فَقَالَ نَعَمْ نِعْمَ مَا رَأَيْتَ وَ نِعْمَ مَا صَنَعْتَ يَعْنِي فِي السَّفَرِ-

قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخَافُ الْجَنَابَةَ- فِي السَّفَرِ أَوْ فِي الْبَرْدِ فَيُعَجِّلُ صَلَاةَ اللَّيْلِ- وَ الْوَتْرَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَقَالَ نَعَمْ.[[7]](#footnote-7)

گفته می شود: امام علیه السلام در خصوص شب های کوتاه تابستان تقدیم نماز شب را تجویز کرد.

**جواب این روایت هم روشن شد زیرا:**

قید «اللیالی القصار» در کلام سائل ذکر شد و در کلام امام علیه السلام این قید أخذ نشد و تنها گفت «نعم». و سائل شبهه داشته است و نمی توانسته چه کند و این قید نشان ارتکاز نیست.

**و بر فرض مماشاتاً قبول کنیم این روایت مفهوم دارد:**

مفهوم این است که در شب هایی که کوتاه نیست «نعم ما صنعت» نیست و تنها در شب های کوتاه «نعم ما صنعت» است. ظهور عرفی این روایت این است که خوف فوت است و گرنه شب کوتاه تابستان با شب بلند زمستان عرفاً فرقی ندارد. لذا تقدیم در لیالی قصار انصراف به فرض خوف فوت دارد.

بعید نیست از این روایت استفاده شود که در شب های تابستان که شب ها کوتاه است تقدیم از قضا أفضل است نه این که از نماز شب در آخر شب أفضل باشد.

**صدوق همین روایت را که نقل کرده است در ادامه گفته است:**

«یعنی فی السفر» که این معنا است که در شب های کوتاه تابستان در سفر تقدیم جایز است و تقدیم در حضر حتّی در لیالی قصار جایز نیست. و لکن یا ظاهر این تعبیر این است که نظر صدوق است زیرا صدوق تصریح کرده است که تقدیم نماز شب در حضر مشروع نیست و اگر هم ظهور نداشته باشد در این که کلام صدوق است حداقل روایت مجمل است و احتمال دارد کلام صدوق باشد. و دأب صدوق این بوده است که حدیث را کم و زیاد می کرده است و واقعاً همین گونه بوده است و شواهد زیادی هم دارد که حدیث هایی را نقل می کند و متن را عوض می کند و شاید توجیه ایشان این است که آن متن حدیث قابل قبول نیست لذا باید حدیث این گونه باشد.

اگر کلام امام علیه السلام بود «أعنی» می گفت لذا مؤیّداین است که کلام امام علیه السلام نیست حال آیا کلام راوی و لیث مرادی است که أصالة الحس جاری می شود یا صدوق «یعنی فی السفر» را گفته است که اجتهاد کرده است این مردّد است.

لذا وقتی نقل صدوق مجمل شد، نقل شیخ طوسی در تهذیب و استبصار که این قید «یعنی فی السفر» را ندارد بدون معارض می شود.

##### مورد سوم (خوف جنابت)

صحیحه لیث مرادی: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ لَيْثٍ الْمُرَادِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الصَّلَاةِ فِي الصَّيْفِ- فِي اللَّيَالِي الْقِصَارِ صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ- فَقَالَ نَعَمْ نِعْمَ مَا رَأَيْتَ وَ نِعْمَ مَا صَنَعْتَ يَعْنِي فِي السَّفَرِ-

قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخَافُ الْجَنَابَةَ- فِي السَّفَرِ أَوْ فِي الْبَرْدِ فَيُعَجِّلُ صَلَاةَ اللَّيْلِ- وَ الْوَتْرَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَقَالَ نَعَمْ.[[8]](#footnote-8)

قید «یخاف الجنابة» در کلام سائل است و مفهوم ندارد و امام علیه السلام فرمود این فرضی که شما مطرح کردید اشکال ندارد و مفهوم ندارد که غیر از این فرض اشکال دارد.

##### مورد چهارم (شیخ)

صحیحه أبان بن تغلب: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ- فَكَانَ يَقُولُ أَمَّا أَنْتُمْ فَشَبَابٌ تُؤَخِّرُونَ- وَ أَمَّا أَنَا فَشَيْخٌ أُعَجِّلُ- فَكَانَ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ أَوَّلَ اللَّيْلِ.[[9]](#footnote-9)

**مورد این روایت سفر است ولی مفهوم ندارد:**

روایت می گوید شما جوانید تأخیر می اندازید و من پیرام عجله می کنم و دلیل نمی شود که اگر جوان أول شب نماز شب بخواند نامشروع است بلکه با این می سازد که شما جوانید و تأخیر می اندازید ولو به خاطر أفضلیّت، ولی من پیرام و خسته می شوم. و حداقل با توجّه به موثقه سماعه (که می گفت ابتدای شب می توان نماز شب خواند ولی آخر شب أفضل است) جمع عرفی اقتضا می کند که این روایت بر استحباب حمل شود.

مورد این روایت شیخ در سفر است و این که مشهور گفته اند شیخ ولو در حضر می توان ابتدای شب نماز شب را بخواند از این روایت استفاده نمی شود.

##### مورد پنجم (دختر جوانی که نسبت به قضا ضعف دارد)

صحیحه معاویة بن وهب: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ مِنْ صُلَحَائِهِمْ شَكَا إِلَيَّ مَا يَلْقَى مِنَ النَّوْمِ وَ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ الْقِيَامَ إِلَى الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ فَيَغْلِبُنِي النَّوْمُ حَتَّى أُصْبِحَ وَ رُبَّمَا قَضَيْتُ صَلَاتِيَ الشَّهْرَ مُتَتَابِعاً وَ الشَّهْرَيْنِ أَصْبِرُ عَلَى ثِقَلِهِ فَقَالَ قُرَّةُ عَيْنٍ لَهُ وَ اللَّهِ قَالَ وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُ فِي الصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ قَالَ الْقَضَاءُ بِالنَّهَارِ أَفْضَلُ قُلْتُ فَإِنَّ مِنْ نِسَائِنَا أَبْكَاراً الْجَارِيَةَ تُحِبُّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ تَحْرِصُ عَلَى الصَّلَاةِ فَيَغْلِبُهَا النَّوْمُ حَتَّى رُبَّمَا قَضَتْ وَ رُبَّمَا ضَعُفَتْ عَنْ قَضَائِهِ وَ هِيَ تَقْوَى عَلَيْهِ أَوَّلَ اللَّيْلِ فَرَخَّصَ لَهُنَّ فِي الصَّلَاةِ أَوَّلَ اللَّيْلِ إِذَا ضَعُفْنَ وَ ضَيَّعْنَ الْقَضَاءَ.[[10]](#footnote-10)

مرحوم خویی در بقیه موارد مثل لیالی قصار و خوف جنابت می فرمودند که وقت توسه دارد ولی در این مورد فرموده اند که از باب تعجیل است زیرا از عبارت «إِذَا ضَعُفْنَ وَ ضَيَّعْنَ الْقَضَاءَ» معلوم می شود که قضا از تقدیم نماز شب أفضل است لذا معلوم می شود نماز شب در أول شب أدایی و در وقت نیست و گرنه معنا ندارد که قضا از أدا أفضل باشد لذا معلوم می شود نماز شب در ابتدای شب از باب تعجیل است.

به نظر ما أصل فرمایش مرحوم خویی خوب است و در برخی موارد مثل سفر از باب توسعه وقت است و ظاهر این روایت تعجیل است زیرا می گوید اگر این دختر بچه ها ضعف از قضا دارند ابتدای شب نماز شب را بخوانند.

و لکن آنچه مربوط به بحث ما می شود این است که بگوییم: نهایت، این روایت می فهماند که جواز تقدیم نماز شب در ابتدای شب مختصّ کسی است که از قضا کردن نماز شب ضعف دارد و حال ندارد بعداً نماز شب را قضا کند و دچار سهل انگاری می شود.

**أرجح به نظر ما این است که:**

عرفی نیست این قید ها شرط مشروعیت باشد بلکه بیان عرفی برای این است که قضا أفضل است و این که بگوید در صورتی نماز شب در ابتدای شب مشروع است که نسبت به قضا کردن حال نداشته باشی، عرفی نیست. البته قبلاً قید زدیم که مشروعیت در صورتی است که خوف دارد نیمه شب برای نماز شب بیدار نشود ولی نسبت به این که حال ندارد در روز قضا را انجام دهد یک بیان عرفی است که اگر حال داری روز قضا را بخوانی قضا کردن مقدّم است.

##### مورد ششم (خوف فوت نماز شب)

صحیحه أبی بصیر: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا خَشِيتَ أَنْ لَا تَقُومَ آخِرَ اللَّيْلِ- أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ- فَصَلِّ صَلَاتَكَ وَ أَوْتِرْ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ.[[11]](#footnote-11)

به نحو جمله شرطیه می گوید که اگر خوف داری آخر شب بیدار نشوی یا بیماری داشتی ابتدای شب نماز شب را بخوان.

گفته می شود این روایت مفهوم دارد که اگر این شرایط نبود حقّ نداری ابتدای شب نماز شب را بخوانی.

**جواب از این استدلال این است که:**

عرف بین این روایت و موثقه سماعه (که تقدیم نماز شب در ابتدای شب را به صورت مطلق تجویز می کند) جمع می کند و این روایت را بر مراتب استحباب حمل می کند: یعنی نماز شب از ابتدای شب مشروع است ولی در صورتی که این شرائط موجود باشد به این کار ترغیب و تشویق می شوید و اگر این شرائط نبود ما شما را تشویق به این کار نمی کنیم نه این که جایز نیست.

صحیحه حلبی: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ خَشِيتَ أَنْ لَا تَقُومَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ- أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ- فَصَلِّ وَ أَوْتِرْ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ.[[12]](#footnote-12)

**آخرین روایت، روایت علل است:**

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنَّمَا جَازَ لِلْمُسَافِرِ وَ الْمَرِيضِ- أَنْ يُصَلِّيَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ- لِاشْتِغَالِهِ وَ ضَعْفِهِ وَ لِيُحْرِزَ صَلَاتَهُ- فَيَسْتَرِيحَ الْمَرِيضُ فِي وَقْتِ رَاحَتِهِ- وَ لِيَشْتَغِلَ الْمُسَافِرُ بِاشْتِغَالِهِ وَ ارْتِحَالِهِ وَ سَفَرِهِ.[[13]](#footnote-13)

**أما سند روایت:**

آقای سیستانی فرموده اند که کتاب علل فضل بن شاذان کتاب تألیف است و نظر خود فضل است و فضل أصلاً امام رضا علیه السلام را درک نکرده است ولی مرحوم خویی فرمودند که من این گونه نمی گویم ولی سند آن ابن عبدوس و قتیبی دارد و ضعیف است. ولی ما رساله ای نوشتیم و سعی کردیم از هر دو اشکال جواب دهیم لذا بعید نمی دانیم که روایت علل سنداً تام باشد.

**أما دلالت روایت:**

می گوید جایز شد مسافر و مریض ابتدای شب نماز شب بخوانند تا مریض نماز شب بخواند و استراحت کند و مسافر هم نماز شب بخواند و دنبال کار های سفر برود.

که مفهوم روایت این است که تقدیم نماز شب در ابتدای شب مطلقاً جایز است و گرنه قید به للمسافر و المریض لغو می شد. «إنما» این معنا را می رساند که جواز تقدیم برای مسافر و مریض به خاطر این حکمت است: «لاشتغاله و ضعفه».

اگر نقل عیون درست باشد که به جای «جاز للمسافر»، «وجب علی المسافر» دارد: «...فَإِنْ قِيلَ فَلِمَ وَجَبَ عَلَى الْمُسَافِرِ وَ الْمَرِيضِ أَنْ يُصَلِّيَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ قِيلَ لِاشْتِغَالِهِ وَ ضَعْفِهِ لِيُحْرِزَ صَلَاتَهُ فَيَسْتَرِيحَ الْمَرِيضُ فِي وَقْتِ رَاحَتِهِ وَ يَشْتَغِلَ الْمُسَافِرُ بِاشْتِغَالِهِ وَ ارْتِحَالِهِ وَ سَفَرِهِ...»[[14]](#footnote-14)

دیگر بر مفهوم دلالت ندارد و «وجب» یعنی مستحب است برای مریض و مسافر در ابتدای شب نماز شب بخوانند و برای دیگران مستحب نیست و از باب تعجیل مشروع است.

و نقل فقیه و عیون أخبار الرضا «جاز لمسافر و المریض» ثابت نیست و اگر ثابت شود مفهوم فی الجمله دارد: نه به خاطر کلمه «انما» زیرا این کلمه برای بیان و حصر حکمت است (حکمت جواز تقدیم برای مسافر و مریض فقط این است که مسافر به کار هایش بپردازد و مریض استراحت کند) بلکه به خاطر این که گفت جاز للمسافر و المریض و اگر برای همه جایز می بود چرا این قید را اضافه کرد. و لکن مفهوم فی الجمله فقط اطلاق را از بین می برد: اکرم العالم العادل نسبت به اکرم العالم تنها می گوید اکرام عالم مطلقاً واجب نیست نه این که وجوب اکرام عالم منحصر به عالم عادل است. در این جا هم برای مسافر و مریض تقدیم مطلقاً جایز است ولی برای غیر این دو عند خوف الفوت فی آخر اللیل تقدیم جایز است.

لذا لولا الاجماع، قول آقای سیستانی به جواز تقدیم نماز شب در ابتدای شب حتّی در حضر، عند خوف فوت صلاة اللیل فی آخر اللیل أقوی است. و لذا این بحث را به پایان می رسانیم.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص252، أبواب مواقیت، باب44، ح9، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/252/بأس) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص253، أبواب مواقیت، باب44، ح14، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/253/فکتب) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص251، أبواب مواقیت، باب44، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/251/العتمه) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص252، أبواب مواقیت، باب44، ح11، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/252/المحمل) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص251، أبواب مواقیت، باب44، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/251/خفت) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص250، أبواب مواقیت، باب44، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/250/برد) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص250، أبواب مواقیت، باب44، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/250/القصار) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص250، أبواب مواقیت، باب44، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/250/القصار) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص254، أبواب مواقیت، باب44، ح18، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/254/فشیخ) [↑](#footnote-ref-9)
10. [الکافی، الشیخ الکلینی، ج3، ص447.](http://lib.eshia.ir/11005/3/447/أبکارا) [↑](#footnote-ref-10)
11. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص252، أبواب مواقیت، باب44، ح12، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/252/خشیت) [↑](#footnote-ref-11)
12. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص250، أبواب مواقیت، باب44، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/250/برد) [↑](#footnote-ref-12)
13. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج2، ص250، أبواب مواقیت، باب44، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/2/250/المریض) [↑](#footnote-ref-13)
14. علل الشرائع، ج‌1، ص: 267‌ [↑](#footnote-ref-14)